

## تازه‌های نشر

▽  
مهدی جعفری

### دراسات فی الاجتهاد و التقليد

(دراسات علمية شارحة في مباحث الاجتهاد و التقليد على الصعيد الاصولي)

- تأليف: سيد علی حسینی صدر .. [قم]: ناشر دار الامام الرضاؑ .. چاپ اول:  
۱۴۲۲ق. - ۳۴۴ ص .. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه .. عربی / وزیري (گالینگور) ..  
بها: ۲۰۰۰۰ ریال.

یکی از مسائلی که در علم اصول فقه مورد بحث و نظر است بحث اجتهاد و تقلید است. مرحوم آخوند خراسانی در کتاب نغز کفایة الاصول این مبحث را به عنوان خاتمه در علم اصول متذکر گردیده است و آن را از مسائل این علم به شمار نیاورده است. نظر مرحوم آخوند در این باب شاید نظری میانه باشد؛ چرا که برخی مانند محقق اصولی، مرحوم میرزا حبیب الله رشتی اصلاً بدان توجهی ننموده و این بحث را در کتاب درازدامن اصولی خود به نام بدائع الاصول مهمل گذارده و برخی چون مرحوم میثمی عراقی در کتاب قواعد الفضول اهتمامی دو چندان مبذول داشته تا جایی که آن را مقصد علم اصول فقه برشمرده است. نظر آخوند در باب جایگاه اجتهاد در علم اصول فقه بر این پایه است که در مبحث اجتهاد بحث از کبریات واقعه در طریق استنباط، مانند مبحث حجیت خبر واحد و یا بحث

از وظایف مقرر برای شاك مانند برائت و استصحاب نمی‌شود؛ بلکه این مبحث مشتمل بر نوعی از احکام فقهی مانند جواز تقلید عامی، وجوب تقلید اعلم، جواز و عدم جواز تقلید از میّت، حرمت رجوع مجتهد به مجتهد دیگر و مانند اینهاست. بله، از این زاویه که در این مبحث قدرت بر استنباطی که محور بحث اجتهاد است و از ثمرات علم به مسایل اصولی است مناسبت با علم اصول پیدا می‌کند، هر چند که در خلال مباحث اجتهاد تطبیقاتی بر موارد فقهی یافت می‌شود. از این روست که آخوند این مبحث را به عنوان خاتمه مطرح می‌کند. پس به بیان دیگر، بحث از اجتهاد بحث از ثمرات این علم است. و اما بحث تقلید در ضمن مباحث علم اصول بحثی استطرادی است که به مناسبت بحث اجتهاد مطرح می‌گردد.

باری، رساله حاضر با متن قرارداد کتاب کفایةالاصول به شرح و بسط مسایل مبحث اجتهاد و تقلید پرداخته است. البته با این توجه که این بحث در باب فقه توسمی دارد که در حین بحث از آن در زمره علم اصول فقه از آن مطالب خبری نیست. فی‌المثل، در باب تقلید از مرجع تقلید شروطی را برای مرجع همچون بلوغ، عقل، ایمان، امامی اثناعشری، مرد، ولد حلال و... برمی‌شمرند که به سبب عدم سنخیت با مسائل علم اصول از ذکر این قبیل مسایل خودداری می‌شود و فقط در باب تقلید عامی از مجتهد به مباحثی همچون وجوب تقلید اعلم و شرط عدالت و اورعیت در اعلم بسنده می‌گردد که در تقویم و تبیین آن از مطالب اصولی بهره و افری برده می‌شود. از این رو، چون کتاب بر شیوه اصولی تدوین یافته از مباحث فقهی که گوشه‌ای از آن را در بالا یادآور شدیم خبری نیست.

رساله حاضر همچون متن اصلی خود - یعنی کفایةالاصول - با تعریف اجتهاد شروع و شامل مباحثی چون اطلاق و تجزی، مبادی اجتهاد، تخطئه و تصویب، تبدل رأی مجتهد، تقلید و اعلمیت مرجع تقلید است که با بحث از اشتراط حیات در مرجع تقلید خاتمه می‌یابد. از خصوصیات این رساله می‌توان به ذکر منابع مورد استفاده در ذیل هر مطلب به صورت پاورقی اشاره نمود. از خصوصیات دیگر آن فهرست‌هایی است که در انتها آمده است و شامل فهرست مصادر، فهرست موضوعی و فهرست محتویات است.

فهرست موضوعی این رساله به نوبه خود امری جالب است؛ چرا که بر اساس حروف الفبا

مباحث مطرح شده در کتاب دسته‌بندی شده‌اند. این فهرست از آن رو حایز اهمیت است که مطالبی در ضمن مباحث اصلی مطرح می‌گردد که معلوم بودن آدرس و نشانی آن کمک شایانی برای مطالعه‌کننده و کسانی که در صدد پی‌گیری آن دسته از مسائل خاص هستند می‌کند.

### تقلید الأعلم

- تألیف: شیخ احمد علی احمدی شاهرودی (۱۳۴۶ - ۱۴۱۷ق) .. [قم]: ناشر  
 مؤسسة الصراط و الفكر الديني للدراسات و الأبحاث الفقهية.. به تصحیح و  
 تحقیق: مهدی نیازی شاهرودی.. چاپ اول: ۱۳۸۳ش.. ۲۴۸ص.. شمارگان:  
 ۳۰۰۰ نسخه.. عربی / وزیري (کالینگور).. بها: ۲۵۰۰۰ ریال. [دارای  
 فهرست نویسی کتابخانه ملی ایران و شماره شابک].

مجموعه حاضر در حقیقت بهره‌هایی است که مرحوم نویسنده از مجالس درس اساتید خود برده است. بالأخص مجلس درس مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی. بنا به اظهارات مرحوم مؤلف این مجموعه گردآوری بیانات اساتیدش در این باب است.<sup>۱</sup>  
 بحث تقلید اعلم از بحث‌هایی است که به مناسبت بحث اجتهاد و تقلید در علم اصول فقه مطرح می‌شود. همانطور که در معرفی کتاب سابق گفتیم شرایط مجتهدی که صلاحیت تقلید دارد متعدد است؛ لیکن در علم اصول آن دسته از شرایطی را یادآور می‌شوند که در آنها بهره بیشتری از مباحث اصولی وجود دارد.

هر چند عنوان کتاب نشانگر آن است که بحث از اعلمیت مفتی و مجتهد است؛ اما کتاب در چهار بخش تنظیم یافته است. بخش اول: اعلمیت مجتهد، بخش دوم: عدالت مفتی، بخش سوم: شرط حیات مجتهد و بخش چهارم: عدم جواز تقلید میّت.

مرحوم مؤلف که خود سالیانی چند در حوزه علمیه قم به تدریس مشغول بوده شاگردانی را در مکتب خود تربیت کرده است. در بحث تقلید اعلم ابتدا به ذکر ادله قائلین به وجوب تقلید اعلم پرداخته است و از بیان معنای اعلمیت که خود امروزه بحثی مهم در این باب است و معمولاً متأخرین از اصولیین در این باب انظار خود را عرضه داشته‌اند بدون هیچ توضیحی گذشته است.

باری، مؤلف در باب وجوب تقلید اعلم به یازده قول اشاره فرموده آنگاه به بیان احتجاج قائلین به تخییر در تقلید اعلم و غیر اعلم پرداخته است.

محقق کتاب علاوه بر تقطیع نصوص، علامت گذاری آنها برای سهولت امر مطالعه، مدرک‌یابی اقوال و آیات، و تهیه فهرست موضوعات و مطالب و مصادر در برخی از موارد برای فهم بیشتر و گشودن بابی برای تفصیل مطالب و ارائه انظار برخی از متأخرین به تنظیم مطالبی در ذیل موضوع مورد بحث روی آورده و بعضاً پاورقی‌های درازدامنی را فراهم آورده است. فی‌المثل، در پایان بحث ادله قائلین به وجوب تقلید اعلم در معنای اعلیّت و مرجعیّت با بهره بردن از دروس خارج استادش، آقای سید محمود هاشمی شاهرودی پاورقی مفصلی را تهیه دیده است.

#### دانشنامه اصولیان شیعه

- تألیف: محمدرضا ضمیری / تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق -. ویراستار: علیرضا شال‌باف / استخراج فهرست‌ها: فرج‌الله جهان‌دوست -. [قم]: ناشر بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم). -. چاپ اول: ۱۳۸۴ ش. -. ۵۷۶ ص. -. شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه. -. فارسی / وزیری (گالینگور). -. بها: ۵۶۰۰۰ ریال. [ادارای فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ایران و شماره شابک].

همچنانکه می‌دانیم علم اصول که مهم‌ترین ابزار اجتهاد است در طول تاریخ توسعه یافته، انظار و دیدگاه‌های جدیدی در آن شکل گرفته است. مطالب و محتویات این دانش در بستر تاریخ با ارائه تحلیل‌های جدید و عرضه انظاری مبتکرانه رشد و بالندگی یافته است که کاوشگر و دانش‌آموخته این علم را نیاز جدی بدان می‌باشد.

اسکلت‌بندی کتاب بر این استوار است که ابتدا با بررسی مختصری از زندگی‌نامه اصولیین بنامی که دارای آثار فراوان و یا نقش برجسته‌ای در این دانش بوده‌اند به روش‌شناسی کار آنها و سپس به بیان نوآوری‌ها و تأثیرپذیری آنها از گذشتگان پرداخته است.

مؤلف در کتاب خود تکامل و بالندگی این دانش را در چند مرحله برشمرده است: فصل اول: دوره تأسیس این علم است که از عصر ائمه معصومین علیهم‌السلام شروع و تا زمان هشام‌بن‌الحکم (متوفای ۱۷۹ یا ۱۹۹ق) ادامه می‌یابد.

فصل دوم: مشتمل بر دورهٔ تدوین این دانش است که مؤلف با برشمردن امتیازات این دوره به معرفی بیست نفر می‌پردازد که از عصر هشام بن الحکم شروع و تا عصر ابن جنید اسکافی (متوفای ۳۸۱ق) ادامه پیدا می‌کند.

در فصل سوم که به زعم مؤلف دورهٔ کمال این علم است حد فاصل زمانی دورهٔ ابن جنید اسکافی تا ابن زهره (متوفای ۵۸۵ق) است.

در فصل چهارم که اختصاص به بررسی زمانی عصر ابن زهره تا ابن ادریس (متوفای ۵۹۸ق) دارد، مؤلف نشان می‌دهد که دوران رکود و خمودی این علم است.

فصل پنجم کتاب که با ابن ادریس حلی آغاز و تا زمان شیخ فخرالدین، محمد بن حسن بن شهید ثانی - صاحب کتب معالم الاصول - (متوفای ۱۰۳۰ق) ادامه می‌یابد دوره نهضت تجدد در این علم نامگذاری شده است.

#### اَئِمَّةٌ عِلْمِ الْفِقْهِ وَ عِلْمِ الْاَصُولِ

- تألیف: سید احمد میرعمادی / تهیهٔ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکدهٔ فقه و حقوق .. [قم]: ناشر بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم).. چاپ اول: ۱۳۸۴ش.. - ۴۰۰ ص.. - شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه.. - فارسی / وزیری .. بها: ۳۰۰۰۰ ریال. [دارای فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ایران و شماره شابک].

یکی از پرسش‌های مهم و مطرح در علم اصول آن است که آیا نخستین اندیشه‌های اصولی را می‌توان در کلمات و آموزش‌های ائمهٔ معصومین جستجو کرد؟ و آیا این ذوات مقدس در پی‌ریزی این دانش سهمی داشته‌اند یا خیر؟

علم اصول فقه که منطق استنباط نامبردار شده است<sup>۱</sup> عهده‌دار بیان حدود و مشخصات ادلهٔ استنباط احکام می‌باشد. از این رو، این بحث اهمیت پیدا می‌کند که آیا مجتهد می‌تواند در احکامی که به وسیلهٔ رسول الله ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم السلام القا شده و در قالب حدیث و خبر به ما رسیده است، استنباط کند و - فی المثل - خبری را بر خبر دیگر ترجیح و یا خبری را طرح نماید؟ و یا از بدست آوردن حکم الامثال در موضوعات جدید فتوا صادر کند؟

این بحث در طول تاریخ معركة آرا بوده اخباریان و اصولیان واکنش‌هایی بعضاً شدید که پیامدهای سخت اجتماعی را به دنبال داشته از خود نشان داده‌اند. اخباریان این دانش را ساخته و پرداخته افرادی می‌دانند که بعد از غیبت کبرا و کوتاه شدن دست مردم از امام علیه السلام زیسته‌اند و در مقابل اصولیان، اصول اولیه این دانش را در کلمات و آموزش‌های ائمه معصومین علیهم السلام جستجو می‌کنند.

کتاب با مقدمه‌ای در باب اصول فقه نزد شیعیان و اهل سنت و موقعیت علمی امامان شیعه و پیدایش علم اصول شروع می‌شود.

در فصل نخست مؤلف با عنوان ائمه علیهم السلام و اجتهاد به تعریف اجتهاد، تطوّر اصطلاح اجتهاد، حرمت اجتهاد، مذمت اجتهاد در لسان ائمه علیهم السلام، دلایل عدم وجود اجتهاد در زمان ائمه علیهم السلام، جواز اجتهاد، اجتهاد معصومین و ادله انکار اجتهاد در معصومین علیهم السلام می‌پردازد.

فصل دوم کتاب این عنوان را داراست: ائمه علیهم السلام و ادله احکام، که مؤلف در خلال مباحث این فصل به بحث از قرآن کریم و مرجع بودن این کلام الهی و حجیت ظواهرش می‌پردازد. آنگاه بحث از سنت را پیش کشیده با معنا کردن آن حجیت سنت ائمه علیهم السلام را مدلل می‌سازد. پس از آن به مباحثی چون بحث عقل، اجماع، قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سد و فتح ذرایع، مذهب صحابی و عرف می‌پردازد.

در فصل سوم که اشاره به اصول عملیه علم اصول دارد روایات و آموزه‌های ائمه علیهم السلام در باب اصل برائت، احتیاط، اشتغال، تخییر و استصحاب را متذکر شده است.

#### پیش فرض‌های فلسفی در علم اصول

- تألیف: سید محمد انتظام / تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق -. ویراستار: محسن نوروزی / استخراج فهرست‌ها: علی اکبر علیزاده -. [قم]: ناشر بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم). - چاپ اول: ۱۳۸۴ ش. - ۳۷۶ ص. - شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه. - فارسی / وزیري -. بها: ۲۹۰۰۰ ریال. [دارای فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ایران و شماره شابک].

پیوند فلسفه با اصول از بکارگیری پر دامنه و فارغ بالانه واژگان فلسفی توسط برخی اصولیان در لابلاي نوشته‌های اصول آغاز و تا استخدام عمیق‌ترین و غامض‌ترین

استدلال‌ورزی‌ها و کش و قوس‌های روش اندیشیدن در اصول پیش‌رفته است. گام اوّل مطالعه این پیوند، شناسایی و فهرست کردن موارد بهره‌گیری و وام‌گیری‌هایی می‌باشد که انجام گرفته است.<sup>۱</sup>

به زعم مؤلف در این کتاب سعی شده تمام اصول و قواعدی که درستی یک یا چند باور اصولی مبتنی بر آن است، چه باوردارنده به آن توجه داشته باشد یا از آن غافل باشد، و چه آن را در مقدمات قیاس و استدلال اخذ کرده یا نکرده باشد، تحقیق شود؛ هر چند که عمده پیش‌فرض‌ها مصرّح هستند.

با توجه به اینکه علم اصول، حوزه‌ها و مکاتب مختلفی را در بر می‌گیرد که هر یک بر اساس شیوه و روش معرفتی خاص شکل گرفته و به لحاظ روش معرفتی میزان تأثیرپذیری آنها از فلسفه متفاوت است و پرداختن به همه آنها در این فرصت مقدور نیست، لذا مؤلف در انتخاب حوزه و قلمرو تحقیق ناچار به گزینش شده است. بر این اساس، کتاب ارزشمند کفایة‌الاصول از محقق توانا، مرحوم آخوند، محمدکاظم خراسانی را مبنای کار خود قرار داده است.

مؤلف سبب این انتخاب را در مشتمل بودن این کتاب بر یک دوره کامل علم اصول، اعتدال آخوند خراسانی<sup>ع</sup> در استفاده از پیش‌فرض‌های فلسفی نسبت به افرادی چون محقق اصفهانی<sup>ع</sup> و قابل استفاده بودن این کتاب برای دانش‌آموختگان مرحله سطح و خارج می‌داند. مؤلف در این کتاب با بیان هفتاد و چهار قاعده فلسفی به تشریح موارد استناد آن در علم اصول دست یازیده است، قواعدی همچون: الاتحاد خارجاً لایستلزم الاتحاد مفهوماً، اجتماع الضدین محال، اجتماع المثلین محال، اعتبارات بشرط لا و بشرط شیء و لابشرط، انقسام الواحد الی الحقیقی و غیر الحقیقی، الترجیح بلا مرجّح، تعدّد العنوان لایستلزم تعدّد المعنوی، الخارج المحمول مغایر للمحمول بالضمیمة، الدور محال، الذاتی لایعلّل، الشیء مالم یجب لم یوجد، الطبیعة موجودة فی الخارج بوجود افرادها، نقیض کلّ شیء رفعه، الواحد لا یصدر عنه إلاّ الواحد و...

۱. برگرفته از معرفتی پشت جلد کتاب که به وسیله ناشر تهیه و تنظیم شده است.

### مبانی و تاریخ تحوّل اجتهاد

- تألیف: حسین عزیزی / تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق .. ویراستار: ابراهیم حمیقی / استخراج فهرست‌ها: محسن نوروزی ..  
[قم]: ناشر بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم).. چاپ  
اول: ۱۳۸۴ ش.. ۴۱۶ ص.. شماره‌گان: ۱۲۰۰ نسخه.. فارسی / وزیری .. بها:  
۳۲۰۰۰ ریال. [ادارای فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ایران و شماره شابک].

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است:

#### بخش اول: کلیات

در فصل یکم از این بخش مفهوم لغوی و اصطلاحی اجتهاد از منظر شیعه و اهل سنت، با توجه به تطوّر تاریخی در کاربردها و معانی اجتهاد مورد بررسی قرار گرفته آنگاه در فصل دوم به بیان شیوه‌های اجتهاد - مشتمل بر اجتهاد عقلی، شرعی، و اجتهاد مستند به نص و اجتهاد غیر مستند به نص - اهتمام شده است. فصل سوم به مطالعه قلمرو اجتهاد و تعیین و تبیین مرزهای اجتهاد مشروع از دیدگاه فریقین اختصاص دارد و فصل چهارم مشتمل بر شرایط اجتهاد از دیدگاه شیعه و اهل سنت است.

#### بخش دوم: احکام اجتهاد

مباحث این بخش در چارچوب دو فصل سامان یافته است: یکی اجتهاد و تقلید و دیگری اختلاف و تکرّر در فهم دین. در فصل دوم به زعم مؤلف برای حفظ انسجام و لزوم تکمیل مطالب، مباحث از دایره علم اصول فراتر رفته به حوزه‌های کلامی کشیده شده است.

#### بخش سوم: ادوار اجتهاد

فصل اول از این بخش به پیدایش و حرکت تکاملی تفقه و اجتهاد از دوره رسالت و سده نخست تا سده چهارم و دوره غیبت حضرت بقیة الله الاعظم اختصاص دارد و در فصل دوم از کتاب نیم‌نگاهی به روند اجتهاد شیعی از عصر غیبت و قرن چهارم تا عصر حاضر دارد و ناظر به تحولی است که به رأی مؤلف پس از انقلاب در فقه اهل بیت علیهم‌السلام پدید آمد.